

**“Reflection of the Personality of Hazrat Ali in the Persian Books of Mir
Hussain Ali Khan Talpur”***** Nelofer Mumtaz****Abstract:**

The royal dynasty of Talpurs starts from 1783 to 1843. Emperors of this kingdom are like shining stars of Persian literature, language and they had mastery over poetry and prose of Persian. Their literary contribution is the asset of history of Sindh.

Among those literary giants of Talpur Amirs, there was a prince named Mir Hussain Ali Khan Talpur the youngest son of Mir Noor Muhammad Khan Talpur. Who was banished at the age of 12 or 13 with his other family members after the battle of Meeanee in 1843. Despite of exile, he always remains sturdy and strong in his believe and faith. He and his forefathers were the followers and believers of Imam Ali. Therefore, he expresses his love and affection to Hazrat Ali by writing four different books on the personality of Abu Talib's son. But he analysed the personality of Imam Ali in his four books with unique and identical style. In this article all aspects of the personality of Hazrat Ali has been discussed with textual evidences from the poetry and prose of Mir Hussain Ali Khan Talpur. All information of the article will be very knowledgeable for all readers.

Key words: Sindh, Mir Hussain Ali Khan, Imam Ali, miracles, philosophy.

"شخصیت امام علی در آثار فارسی میر حسین علی خان تالپر"

* نیلوفر ممتاز

چکیده:

میر حسین علی خان فرزند نور محمد خان تالپر که در اوائل جوانی، زوال تالپران را مشاهده کرد. چون با دست انگلیسها اسیر شد سختی های جلاوطنی را تحمل کرد و دور از وطن در هند چندین سال بسر برد. کسی که زندگی ابتدایی را در ناز و نعمت گذرانیده باشد، برایش مشکلات زندگی تبعید خیلی سخت است. اما باوجود این تمام مشکلات میر حسین نه تنها کسب علم کرد بلکه در ادب گنج شایگان را اضافه کرد. او هیچوقت همت و جرات خود را به این سبب از دست نداد که رهبرش حضرت علی بود. او در تمام عمر خود، زندگی علی را مطالعه کرده و از آن رهنمایی جسته و تقریباً تمام جنبه های زندگیش را در نظر داشت و برای کسب فیض در صورت کتابها جمع آوری کرده است. تا دیگران هم مانند او از آن فیضیاب شوند.

کلید واژه: میر حسین-افکار-سند-علی-معجزات

*دانشجوی دکتری، دانشگاه کراچی، پاکستان

mumtaznelofer@gmail.com

پذیرش مقاله 19-08-2020

دریافت مقاله: 22-06-2020

مقدمه:

خانواده تالپران در معماری ادب و شاعری آوازه بلند داشتند و از لحاظ مذهب، ایشان معتقد امام علی بودند. (بیگ عباس، ۱۹۸۵، ۱۶) برای این می توان گفت که همه ای آنان حضرت علی و جنبه های مختلف زندگی وی را موضوع کتابهای خودشان ساختند. میر حسین علی خان تالپر یکی از ادباء و شعرای بزرگ این خانواده هست. او در زمینه شعر و ادب مرتبه عالی دارد. میر حسین مثل بزرگان و اجداد خود شخصیت علی و اوصاف و معجزات وی را در کتابهای مختلف خود جا داده است. در افکار او رنگ مذهب بسیار نمایان است. این چیز را موضوعات تمامی آثار نثری وی به اثبات می رسانند که او در نثر به موضوعات غیر مذهبی علاقه ای نداشت، بلکه دین و تعلیمات دینی را فوقیت می داد. ولی به سبب کمبود ذوق دینی و ادبی بین مردمان عمومی

این زمان، شخصیت و تالیفات وی در گوشه گمنامی مانده است.

ادبیات پژوهشی:

اگرچه چند پژوهندگان دور موجوده درباره آثار وی تحقیق کرده اند. ولی هیچ کس کاملاً بر شخصیت و تالیفات وی، تفحص نکرده است. چون فاطمه الهامی (مربی دانشگاه سیستان و بلوچستان) فقط راجع به "مناقب علوی" که اثر نثری میر حسین هست پایان نامه نوشته است. (الهامی، ۱۳۸۹، ۵-۲۹) همین طور آقای دکتر نعمت الله یک دیوان غزلیات فارسی میر حسین را در مجله دانش تصحیح کرده و بچاپ رسانیده، (ایرانزاده، ۱۳۸۴، ۱۱-۳۲) و میرزا عباس علی بیگ و فتح علی بیگ کتاب "الب لباب" را بزبان سندهی ترجمه کرده اند. (میر حیدر، ۲۰۰۷، ۵) اما معلومات و اطلاعات کامل در ضمن زندگی نامه و شخصیت و آثار میر حسین علی خان تالپر در آن موجود نیست. بنا بر این تصمیم گرفتم که بر این موضوع تحقیق کنم و مقاله ای درین باره بنویسم.

روش پژوهش:

در این مقاله از روش کتاب خانه ای استفاده شده است و تمام اطلاعات از کتابها جمع آوری و مورد بررسی قرار داده شده است. نکته مهم که باید برای خوانندگان توضیح دهم اینست که تقریباً تمام نسخه های خطی میر حسین علی خان تالپراغلاط دستوری و قواعدی و کلمات زیادی دارند و گاه گاهی املا هم درست نیست.

زندگی نامه:

میر حسین علی خان تالپر بن میر نور محمد بن میر مراد علی خان تالپر در سال ۱۸۲۹م بدینا آمد. (المولی، ۱۹۹۶، ۲۲) فقط دوازده ساله بود که پدرش از این دنیا رخت سفر بر بست. شاهزاده حسین زیر

سرپرستی عمو (میر نصیر خان جعفری) تعلیم و تربیت یافت. (میرحیدر، 2007، 5) چون در سال 1843 م انگلیسی

ها بر تخت سند تسلط یافتند و امیران تالپر را جلاوطن کردند. (مگسی، 2010، 162) آن موقع میر حسین همراه حکمرانان و خویشان خود بود. در هنگام تبعید با صاحبان علم و ادب ملاقات کرد و هنرهای مختلف ادبی را

فرا گرفت مثلاً استاد الحاج حسن "بیدل" که یکی از شعرای معروف زبان اردو در هند بود، از او رموز شعری زبان اردو را یاد گرفت. (بیگ عباس، 1985، 18) دیوان اردو حسین بهترین مثال آنست. درباره تحصیلات ابتدایی وی در تذکره ها و کتابهای تاریخی به تفصیل نوشته نشده است و هر چه یافته می شود به طور اجمالی است. او در زبان های اردو، سندهی و فارسی تبحر داشت. (بخش، 1978، 32) او انگلیسی را نیز می دانست در کتاب "Persian poets of Sindh" دکتر سندرنگانی بیان می کند که میر حسین زن انگلیسی را دوست می داشت و در عشق او مبتلا بود و درباره حسن و زیبایی و موهای او شعر سروده است. (سندرنگانی، 1987، 251)

دلبر ا شانه مکن زلف پریشان خود را تا پریشان نه کنی هیچ مسلمانی را

(ص:6، 251)

دلیل دیگر این است که میر نور محمد خان تالپر که با اترم (نماینده سیاسی دولت انگلیسی و هند) یک مرد انگلیسی خیلی مراسم دوستانه داشت و در آخرین لحظات زندگی از او خواست که وظیفه آموزش و پرورش پسرش میر حسین علی را به عهده خود بگیرد، (کنٹوری، 172، 1967) این نکته ثابت می کند که این شاهزاده در بچگی زبان انگلیسی را آموخته بود.

وقتی که میر حسین را کلکته بردند. آن وقت میر حسن علی خان تالپر، میر حسین علی خان و میر شهادت خان تالپر (برادر بزرگ میر حسین) عضویت "انجمن آسیا" اختیار کردند. (بیگ متقی، 2005، 94) یعنی میر صاحبان در ولایت غریبه ذوق ادبی خود را با هنرهای جدید جلا بخشیدند.

در سال 1859 م جلاوطنی وی تمام شد. او به وطن خود باز گشت و بر خواش مادر خود با دختر عمویش ازدواج کرد. او یک پسر داشت، (میرحیدر، 2007، 10) این بچه آخرین چشم و چراغ خانواده تالپران بود و کتابخانه تالپران به اسم "هزائنس حاجی نور محمد خان تالپر" آخرین فرزند خانواده تالپران موسوم است. (کربلای، 1988، 39)

میر حسین علی خان تالپر به تاریخ 26 ربیع الاول/30 مارس 1878 م این دنیا فانی را بدرود گفت و آرامگاه میر حسین در گورستان امیران تالپران است. (المولی، 1994، 23)

تالیفات:

تعداد کتابهای نثری میر حسین چهار است که اسم های آنان در ذیل ذکر می شود:

1. شاهدالامامت

2. لب لباب

3. مناقب علوی

4. مجموعه معجزات آئمه (معجزات آئمه شماره 9)

و همین طور در شعر میر حسین، صاحب یک دیوان اردو و دو دیوان فارسی است. (مهرداد، 2007، 76) قبل از اینکه بیان کنیم که میر حسین راجع به امام علی چه فکر می کرد به اختصار زندگی نامه حضرت علی را در زیر ارائه می دهیم.

روز جمعه سیزدهم رجب 10 سال قبل از نبوت، بیت الله را با نور خود منور کرد. (اسلامیه، 25، 2001) آن روشنائی که بنام علی ابن ابی طالب تمام عالم اسلام را آن تابندگی بخشید که تا امروز مسلمانان جهان با آن نور، خودشان را منور می سازند.

او در این دنیا تنها کسی است که چشم خود را در بیت الله باز کرد نه پیش از او نه بعد از او کسی دیگر با این شرف مشرف نگشت.

اسد الله در وجود آمد

در پس پرده آنچه بود آمد

(حسین، سال ندارد، 114)

نام:

حضرت ابو طالب بر اسم قصی بن گلاب که جد اعلی او بود، نام علی(ع) را زید نهاد و فاطمه بنت

اسد

به اسم پدر خود "حیدر" نهاد. پیغمبر خدا با منشای قدرت او را با نام علی موسوم کرد. (حسین جعفر، سال

ندارد، 117-118)

کنیت:

ابوالحسنین، ابوالحسن (حسین جعفر، 115)

القاب:

مرتضی، اسد، حیدر کرار، ابو تراب بر زبان خلائق عام است. (حسین جعفر، 115)

خانواده:

امام عالی مقام عم زاد محبوب خدا احمد مجتبی بود. وقتی که حضرت علی بدنیا آمد پیغمبر خدا از همه اول امام مسلمین را در آغوش گرفت و لعاب دهن خود را چشانده این بود که ولایت در رگ و پی او سرایت کرده بود. (حسنی، 1996، 165). به همین سبب از روز تولد تا مرگ احکام و اعمال نبی کریم را پیروی کرد. امیرالمومنین دو نسبت با آنحضرت داشت، یکی عم زاد و دومی اینکه داماد رسول بود. امیرالمومنین فقط شش ساله بود که محبوب کائنات سرپرستی او را به عهده گرفت. تعلیم و تربیت نبی کریم حضرت علی را شبیه خودش ساخت تا حدی که عالم اسلام اوصاف و فضائل رسول خدا را در ذات علی دید و هنوز هم می یابد. حضرت علی پیغام خدا و تعلیمات نبی را همیشه مقدم می داشت و نقش عالی در راه خدا ایفا می کرد. ولایت و وصیت، شجاعت و شهامت، علم و حکمت، عدل و انصاف، زهد و تقوی، سخاوت و بزرگی آن صفات عالی هستند که شخصیت امام علی را مانند گوهر نایاب درخشندگی بخشیدند.

همین صفات، توجه میر حسین را به طرف خود جلب کرد چنانچه تعلیمات وی را مطالعه کرد و حاصلش این بود که او عاشق حقیقی ذات علی شد. تاثیر پذیری وی به آن شدت بود که تمامی تالیفات نثری میر حسین علی خان تالپر شخصیت علی و جنبه های مختلف ذات وی را ترجمانی می کند و در اشعار نیز صفات علی را ستوده است.

میر صاحب در اثر نثری بوسیله احادیث و اقوال و روایات آنمه و اهل بیت اوصاف برگزیده امام علی را ذکر می کند. چند خصوصیات علی را که میر حسین در اشعار و نوشتجات خود ذکر کرده، شرح می دهیم.

ولایت و وصیت:

میر حسین علی خان تالپر درباره ولایت و وصیت ابوتراب چندین غزلیات سروده است. شعری را بطور مثال می آوریم.

نبی را نائب بر حق نخستین حیدر رواج دین پیغمبر علی ابن ابی طالب
صفر (ایرانزاده، 1384، 15)

رسول مقبول امیر المومنین را از کودکی همراه خود می داشت و درباره هر واقعه دینی و دنیوی آگاهی می داد. زیرا که نبی کریم می دانست که پدر حسنین ممدو و معاون حقیقی وی هست. وقتی که اولین وحی بر آنحضرت نازل شد آن وقت نائب نبی و حضرت خدیجه نخستین کسانی بودند که نبوت محمد را پذیرفتند.

میر حسین علی خان تالپر در مورد نبوت محمد در کتاب لب لباب اینطوری می گوید که:
 "عن سلمان الفارسی رضی الله عنه قال النبی صلی الله واله وسلمه اول
 هذه الامته و رد علی الحوض اولها اسلام و هو علی بن ابی طالب او
 لکمه عدد علی الحوض و اولکم اسلاما و هو علی بن ابی طا لب." (میر
 حسین، 2007، 10)

مفهوم:

از این امت اولین کسی که داخل حوض کوثر خواهد شد کسی است که از همه اول اسلام قبول کرده
 باشد و آنکس علی ابن ابی طالب است.
 یکی از مهم ترین واقعه تاریخی آن است که چون نبی کریم آشکارا گفت که علی نائب و وصی من
 هست. این واقعه در تاریخ بنام غدیر خم موسوم است.

نویسنده در کتاب "لب لباب" غدیر خم را بوسیله حدیث با این کلمات ذکر می کند که:
 "عن البراء بن عازب و زید بن ارقمه رضی الله عنهما ان رسول الله صلی الله
 علیه وسلمه لما نزل بغدير خمه اخذ بيد علی صلوٰة الله علیه فقال الستمه تعلمون
 انی اولى بالمومنین من انفسهم قالو بلى السم تعلمون انی اولى بكل مؤمنین من
 انفسهم قالو بلى فقال اللهم من كنت مولاہ فعلى مولاة ولا وحشه فى قبره ولا فزع
 القيم" (المعمری، 94-95)

مفهوم:

یا علی، برای شما این کافیست که محب شما بوقت مرگ پیشمان و متاسف نخواهد شد و در گور آنان
 وحشت و خوف هم طاری نمی شود و روز محشر ایشان را اضطراب هم نخواهد بود.
 اعلامی را که پیغمبر بروز غدیر خم کرد مثالش را ، در اقوام گذشته هم می یابیم چنانکه ابراهیم و
 اسمعیل، هارون و موسی و غیره. قرآن هم راجع به این انتقال ولایت شهادت می دهد. آیه قرآنی هست.
 وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا. (سورة الفرقان آیه 35)

ترجمه آیه:

و همانا ما به موسی الکتاب (تورات) را عطا کردیم و برادرش هارون را وزیر او قرار دادیم.
 نیز سورة العمران خدایی متعال درباره انتقال ولایت میان پیغمبران اینطوری می فرماید که:
 إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ
 سَمِيعٌ عَلِيمٌ. (سورة العمران، آیه 33-34)

ترجمه آیه:

به حقیقت خدا آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برگزید (شماره آیه 33). فرزندان هستند برخی از نسل برخی دیگر و خدا (به اقوال و احوال همه) شنوا و دانا ست. (شماره آیه 34) میر حسین در کتاب معجزات آئمه شماره 9 روایت امام زین العابدین را ثبت می کند که:

"از ابن رسول امام علی زین العابدین مروی است که چون حضرت پیغمبر متوجه تبوک شد. علی ابن ابی طالب را در مدینه خلیفه نمود ، منافقان توطی کردند {طوطه چیدند} که حضرت رسالت را در راه {، و} شاه ولایت پناه {را} در مدینه قتل رسانید {رسانند} و جمیع مساجد را که بنور ایمان از این دو چراغ روشن اند تاریک سازند ، اما خدا نخواست و چون پیغمبر بغزوه تبوک می رفت {،} علی باو گفت که یا رسول الله من نمی خواهم که در هیچ کدام امر از تو تخلف نمایم و در هیچ حال از مشاهده جمال تو ملاحظه سیر حمیده و اخلاق پسندیده تو محروم باشم. حضرت فرمود که یا علی نمی خواهی که نسبت هارون باشد بموسی در همه چیز بغیر از پیغمبر که تو را در این ماندن مثل ثواب تو هست." (میر حسین، 61)

در آخر به اختصار این می توان گفت که میر حسین علی خان تالپر در آثار نثری و شعری خود به این نکته اشاره می کند که مقام ولایت و وصیت امام مرتضی هدیه خداوندی بود، این اعجاز مالک دو جهان است که مرتضی و مصطفی در یک خانواده دنیا آمدند و باعث سربلندی و افتخار اسلام شدند.

شجاعت و شهامت:

نائب محمد و شیر خدا همیشه مثل سپر امت محمد را نگهداری و حفظ می کرد. او در هر حال بخاطر حمایت دین خود را آماده می داشت تا اینکه مذهب اسلام ترویج یافت.

میر حسین علی خان تالپر هم در کتاب "معجزات آئمه شماره 9" راجع به دلیری و جوانمردی امام علی روایات مختلف تحریر کرده است. در این نسخه تقریباً تمام واقع های غزوات ذکر شده است که امام مقام در آنها شرکت کرد و دشمنان اسلام را شکست داد. غزوه بدر، غزوه احد ، غزوه خندق، غزوه خیبر و غزوه تبوک، آن جنگ های تاریخی هستند که امیرالمومنین در آن شریک بود و علم اسلام را سربلند کرد. نوشتجات دیگر میر حسین در دیوان فارسی خود دلیری ابوتراب را اینطوری بیان می کند که:

تو آنی که مرحب ز تو کشته شد توی شاه خیبر کشا یا علی

(میر حسین، 197)

در کتاب "معجزات آئمه شماره 9" مولف رویداد غزوات متعدد را مطرح کرده است. آن واقعات ثابت می کند که حضرت علی مرد شجاع و علامت فتح مندی بود.

اینجا واقعه ی جنگ احد را به طور مثال نقل می کنیم که میر حسین در کتاب خود بیان کرده است تا نقشی که امام علی در میدان جنگ ایفا می کرد آنرا برای ما آشکار بسازد:

"از امام جعفر مروی است که چون مسلمانان در جنگ احد گریختند، غضب شدیدی بر پیغمبر مستولی شد و عادت حضرت نبود چون غصه شدید، قطرها عرق دانه های مروارید از جبین مبارکش فرو می ریخت. پس نظر گردد علی را در پهلوی خود دید از غضب باو فرمود که چرا با خویشان خود نرفتی که اینان مرا گذاشتند و گریختند امیرالمومنین گفت یا رسول الله من از تو جدا نمی شوم در هر کار پیروی تو می کنم در بین آن کفار بر رسول حمله آوردند که رسول به امیر فرمود اینها را {از} روی من دور کن {،} امیر المومنین شمشیر کشید و مانند شیر

ژیان در میان آن کافران افتاده و ایشان را می کشت و می انداخت. پس نظر رسول خدا جبرائیل را در میان زمین و آسمان بر طلانه است و می گوید "لا سیف الا ذوالفقار و لا فتی الا علی و از ابن عباس منقول است که علی را چار منقبت هست که احدی غیر او نبوده اول کس بود از عرب و عجم که بر پیغمبر خدا ایمان آورده و با او نماز کرده دویم آنکه علمدار پیغمبر در هر جنگ علی بود، سویم آنکه روز احد که همه گریخته اند او ثابت قدم مانده. چهار آنکه او پیغمبر (ص) را داخل قبر کرده". (جعفر حسین، 201)

پس این تنها واقعه ای نیست که امام علی ثابت قدم مانده تا مخالفین را زیر و رو کند، بلکه علی آنست که نا ممکن را با رضای خدا ممکن ساخت. در ضمن این واقعه جنگ خیبر بهترین مثال است که:

"از امام محمد باقر مرویست که رسول خدا علم مهاجران را به اصحاب مختلف داد و بجنگ مرحب فرستاده که او اصحاب خود را می ترساند و اصحاب هم باو ترس می داده پس سه مرتبه فرمود که آیا مهاجران و انصار چنین می کنند پس گفت رایت را بمردی دهم که گریزنده نباشد خدا و رسول او را دوست دارد خدا و رسول او را دوست دارند پس در روز خیبر پیغمبر امیر را بر شتر خود بدست

خود سوار کرده و عمامه بدست خود بر سر او به بست جبه های خود باو پوشانیده گفت برو یا علی که جبرائیل از جانب راست تو می آید و میکائیل از جانب چپ و عزرائیل در پیش روی تو و اسرافیل در عقب تو دعای من نیز در پس پشت تو است بعد قلعه را فتح کرد و در قلعه را چهل دراع دور افگند. (حسنی، 1996، 263-272)

میر حسین به صورت شعر هم شهادت حیدرکرار را توصیف می کند و می گوید:
آن شاه مردان را بگو آن مرد میدان را بگو
آن شیر غران را بگو مستان سلامت می کنند
(ایرانزاده، 1384، 36)

میر حسین علی خان تالپر در تالیفات و دیوان خود بخاطر تکریم و تعظیم امام مرتضی القاب مختلف چون شیر خدا، شاه مردان، شیر ژیان، شیر غران، استفاده کرده است که نشانگر حشمت و شهادت امام علی می باشد.
باب العلم:

وقتی که ابوالحسنین بدنیا آمد، نبی خدا پسر عم را روی سینه ی خودش نهاد و گفت:
" خصنی بالنظر و خصصته بالعلم. " (حسین، 117)

یعنی: او در نگاه اول ذاتم را منتخب کرد و بخاطر علم او را انتخاب کرد.
مالک کائنات علی ابن ابی طالب را آن گنجینه علم عطا کرد که در این کائنات کسی دیگر تا اکنون صاحب آن نشده است امام علی از خورد سالگی تا جوانی در رهنمائی رسول اکرم پرورش یافت. تربیت نبی خدا، علی را مانند گوهر نایاب ساخت که مثال این تا قیامت ممکن نیست. امیرالمومنین درباره آموزش و پرورش رسول خدا می گوید:

"هذه ما زقنى رسول الله زقا زقا." (حسین، 133)

یعنی: این است که پیغامبر خدا بخوبی مرا خورانده است و بخوبی در نای من ریخته است.
میر حسین علی از لحاظ محب صادق، شخصیت امام علی را در نوشته های خود با جنبه های مختلف بیان کرده است. البته در ضمن علم و حکمت حضرت علی اکثر وقایع معروف را در آثار خود شامل کرده است. قصه ای که مربوط به علم سماوی امام علی است در کتاب "شاهد الامامت" اینگونه بیان می کند که:

"از هبیره بن عبد الله روایت است که در کوفه بخدمت اخ رسول علی مشرف شدم که این زوج بتول در روی من بنگریست و فرموده هبیره در دل تو فکر اهل و عیال است. گفتم بلی فدایت شوم که این سیف المسلول فرمود تو بعد از نماز خفتن که عشاء باشد نزد من آمده می باش. من بحکم این زوج بتول پس از نماز عشاء در خدمت اخ رسول رفتم که فرمودند ای هبیره نزد من بیا و چون رفته نزدیک شدم سیف المسلول مرا با خود گرفته بر بام سرای برند {بردند}. اینجا فرمودند که پای خود بر پشت پای من بند و چشمان را بند کرده باشید مگشائید، تا نگویم پس من چنان کردم و دمی نرفته که بمن بگشودم که خود را بر لب بام خود دیدم متعجب شدم و شاد گشته ام که خود را در مدینه یافتیم. آنگاه اخ رسول بمن فرمود که ای هبیره برو نزد عیال خود و ملاقات کن با ایشان و راز خود بگو، باینان تجدید عهد بنمائید. با عیال خود من بموجب امر سیف المسلول رفتم نزد عیال خود و انهمه را دیدم. ایشان با من راز گفتند و ما باینان {باینان} از راز مطلع نموده مراجعت کردم بر بام سرای خود آمدم که زوج بتول در آنجا از برای ما ایستاده بود باز مرا از مدینه بهمان نوع در کوفه آورد که چون چشم ها را گشادم، خود را بر بام سیف المسلول یافتیم گویا نرفته بودم. زوج بتول فرمود ای هبیره نه عامه دعوا می نمایند که زنی ساحره در یک شب از زمین عراق به ارض هند می رود که بر می گردد. گفتم بلی یا اخ رسول فرمود اگر او بکفر خود قادر باشد ما با ایمان از او قادر تریم. یا هبیره می دانی ما کیستم؟ منم علی بن ابی طالب وصی حضرت پیغمبر نزد آصف بن خیاء علم از علوم یک کتاب بود که بر توقع آن تخت بلقیس را از راه یک ماه در طرف العین نزد سلیمان از صبا آورده و نزد من علم کل کتاب سماوی است پس من چگونه از آصف قادر نبوده باشم." (میر حسین، 10-11)

فقط این یک واقعه نیست که میر حسین ذکر کرده ما را از علم و آگاهی امام علی آگاه می سازد. بلکه روایات و احادیث وافر را بیان می کند تا که ما بدانیم که حضرت علی مخزن علم و دانش بود. پیغمبر خدا لیاقت و دانش امام علی را با این کلمات پذیرایی کرد و فرمود که:

"قال رسول الله صلى الله عليه واله و صحبه وسلم انا دارالحکمه و علی بابها." (نجمی، 177م، 1414)

مفهوم: من خانه حکمت هستم و علی در آن خانه است.

میر حسین علی خان تالپر هم در کتاب "لب لباب" حدیث بالا را شامل کرده است تا شاهد برتری و فضیلت امام عالی مقام در میدان معرفت و لیاقت باشد. نویسنده "لب لباب" به صورت شعر ذکاوت علی را اینطور می ستاید:

زررة الواصلین	انزع البطین	حاکم العلم اولین و آخرین	حیدر
علی	علی	علی	

(میر حسین، 202)

قاضی و عادل:

" قال النبی صلی الله علیه واله وصحبه وسلم یا ابا بکر کفی وکف علی فی العدل سواء." (میر حیدر، 2007، 120)

مفهوم: ای ابوبکر دست من و دست علی در عدل برابر است.

حدیث بالا بر این نکته اشاره می کند که شخصیت حضرت علی باز تاب کامل شخصیت رسول خدا بود. به همین خاطر هر قول و فعل نبی آخر را پیروی می کرد. بین مخلوق خدا همیشه عدل و انصاف را مثل محمد مصطفی روا می داشت.

نوشتجات دیگر میر حسین نیز راجع به قضاوت و عدل وی اشاره می کند. وقتیکه نظم و نسق بیت المال به دست علی آمد. او بدون فرق رنگ و نسل، عرب و عجم، نام و نسبت، مسئولیت خود را انجا می داد. تالیف کننده در کتاب "معجزات ائمه شماره 9" در مورد عدل امام علی واقعه ای را بیان کرده است که:

" روزی عقیل (برادر علی) پیش امام علی آمد و درخواست کرد که یا علی! شما خلیفه وقت هستید و مسئولیت بیت المال هم به دست شما هست. من مقروض هستم اگر ممکن باشد، شما برای پرداخت وام پول فراهم کنید. درین صورت مشکل من آسان می شود. حضرت علی، عقیل را دید و جواب داد که چون شما برای خریداری به بازار می روید آن وقت بدون اجازه فروشنده چیزی بر می دارید؟ عقیل گفت نه من دزد نیستم. علی فرمود همینطور من هم نمی توانم در مال خدا

خیانت بکنم" (Muslim societies and civilizations, 2013 125)

واقعه بالا دلالت می کند که حضرت علی بهترین قاضی و عادل بود که تاریخ اسلام بجز آنحضور همچو او شخصی دیگری ندید.

"قال رسول الله صلى الله عليه واله وصحبه وسلم على اقضا امتی." (میر حیدر، 2007، 200)

مفهوم: بزرگترین عادل و قاضی امت من، علی است.

زهد و تقوی: برای مومن عبادت و بندگی کلید قلب مطمینه می باشد و امیرالمومنین را این کلید از طرف مالک دو جهان عطا شده بود. او بیشترین اوقات خود را در یاد خدا می گذراند به این سبب خدا امام علی را دوست می داشت و جمله اوصاف والا در شخصیت علی گنجانیده بود. موقعی که حضرت زین العبادین راجع به پرهیزگاری علی صحبت می کند می گوید که:

"من يقدر على عبادة علي بن ابي طالب عليه اسلام." (نجفی، 1414، 182)

ترجمه: کدام شخص طاقت و قدرت دارد که مانند علی ابن ابی طالب عبادت کند.

میر حسین علی خان تالپر در کتاب "شاهد الامامت" استغراق علی در نماز را بیان کرده، در این ضمن معجزات مختلف نوشته است. یکی از معجزات که از زبان سید زین العابدین بیان شده بخاطر اثبات گفته خود، اینچنین شرح داده است:

"از انجمله معجزه رد الشمس علمای خاصه و عامه سندهای بسیار از اسما خاتون بنت عمیس و غیره روایت کرده که روزی حضرت پیغمبر خدا امیرالمومنین علی المرتضی را در پی کاری روانه فرمود. چون وقت نماز عصر شد و نماز عصر را گذارد آنوقت امیر که مراجعت فرموده نماز عصر را نکرده بود و حضرت رسول سر مبارک خود را در دامن امیر المومنین گذاشت و خوابید و وحی برآن حضرت نازل شد و پیغمبر سر خود را بجامه پیچید و مشغول استماع وحی گردید تا نزدیک شد که خورشید غروب کند، یعنی فرو رود و چون وحی منقطع شد حضرت پیغمبر فرمود یا علی ولی الله نماز خوانده. علی گفت، یا رسول الله نتوانستم که سر در اطاعت تو از این نماز او قضا شده. پس از تلافی خود آفتاب را برای او برگردان تا او نماز عصر بخواند و اسما گفت بخدا قسم که دیدم آفتاب برگشت و بلند شد و بجای رسید که بر زمین تابید و وقت فضیلت عصر برگشت.

امیرالمومنین نماز کرد با هستگی تمام پس آفتاب باز فرو رفت." (میر حسین، 8)

میر حسین عقیدت ویژه ای به حضرت علی داشت و به عقیده او حتی فرشتگان از حضرت علی اطاعت می کردند. چنانکه:

غلام درگهش چندین ملایک روز(و) شب زهی شاهنشاه صفر علی ابن ابی

باشد

طالب

(میرحسین، 1384، 15)

واقعه مذکوره روشن می کند که امام علی در نظر خدایی بزرگ در زهد و تقوی بر جایگاه بلند فایز بود. به این علت خداوند تعالی ملائک را در خدمت وی مامور کرده و ملائک امر الهی را بخوبی انجام می دادند.

جود و سخا:

خدایی بزرگ باطن انبیاء، پیغمبران و آئمه را در برابر انسان عمومی قوی تر می سازد و شخص برگزیده قادر بر آن باشد که از عیش و عشرت دنیاوی آزاد شود بین این اشخاص برگزیده یکی علی بود که نور چشم و سکون قلب محمد و هم پیکر جود و سخا است. نویسنده این وصف علی را در آثار مختلف خود بیان می کند.

همچنین در دلیل بیان خود میر حسین در کتاب "شاهدالامامت" این آیه را نقل می کند:

"الذین ینفقون اموالهم باللیلیم و النهار سرا و علانیه" (سورة البقره، آیه: 2)

ترجمه: کسانی که مال خود را در شب و روز انفاق کنند نهان و آشکارا.

در شان نزول این آیت بالا، سخاوت حضرت علی را بیان می کند و نقل می کند:

"امام علی به وقت روز روزه می نهاد و وقت شب عبادت می کرد و غذای خود

را بین مخلوق خدا تقسیم می کرد." (نجفی، 1414، 179)

یعنی این آیت فوق و واقعه مذکوره را روشن می کند که ابوالحسنین ناداران و مفلسان را اعانت می کرد.

اگر زندگی علی را در آئینه افکار میر حسین مشاهده کنیم معلوم می شود که حضرت علی از لحاظ فطرت به غایت ساده بود. تمام عمر برای بهبود بنی نوع انسان مشغول و رفتار زندگی وی درویشانه و فقیرانه بود و این وصف والا ی علی نتیجه تعلیم و تربیت آنحضور و لطف مالک دو جهان بود. میر حسین راجع به این موضوع در کتاب "لب لباب" این حدیث را شامل کرده است که.

"قال النبی صلی الله علیه و اله و صحبه وسلم کن فی الدنیا کانک غریب افکعاً

بری سبیله." (میر حسین، 2007، 84)

ترجمه: در این دنیا مثل مسافر و فقیر زندگی بسر کنید.

چنانچه امام مرتضی باوجود همه آسایش دنیاوی، زندگی خود را در فقر و درویشی بسر برد و وجود او همیشه از تمامی خواهشات نفسانی پاک بود و هیچوقت بر نفس او آلودگی های دنیا غلبه نیافت.

نتیجه گیری:

در آخر می توان این نتیجه گیری کرد که چون مذهب گرایی میر حسین خان تالپر خیلی قوی بود به این خاطر در مشکلات زندگی از خدا یآوری می جست و او به این نتیجه رسیده بود که جز خدا امامان و اهل بیت کسی دیگر نمی تواند به او کمک کند. او در تمام زندگی خود، زندگی امامان و اهل بیت عموم و زندگی امام علی را خصوص مطالعه کرد. عشق وی با امام علی و تاثیر پذیری او آنقدر شدید بود که میر حسین را وادار کرد که تمام شخصیت و اوصاف حضرت علی را که می توانست برای دیگران نیز سودمند باشد به صورت نوشته ها در آورد و به همین سبب تمام کتابهایی نثری وی زندگی امام مرتضی را احاطه می کند. در این مقاله تقریباً تمام نکات و موضوعات تالیفات میر حسین به اختصار ارائه داده شده است. چنانچه اگر بگویم که میر حسین علی خان تالپر بتوسط نوشتجات خود تشنگان عشق را با مدح و منقبت حضرت علی سیراب کرده است غلط نمی باشد.

القران

نسخه خطی:

- 1- میر حسین علی خان تالپر، "شاهد الامامت".
- 2- میر حسین علی خان تالپر، "مجموعه معجزات آئمه"، شماره 9.

منابع و ماخذ:

- ## العمری امام ولی الدین محمد بن عبدالله الخطیب، "مشکوۃ شریف"، سال ندارد، لاہور، مکتبہ رحمانیہ.
- ## المولیٰ مخدوم طالب، 1994، "کتاب یاد رفتگان"، جامشورو، سندھی ادبی بورڈ.
- ## الہامی فاطمہ، 1389، "نسخہ خطی مناقب علوی میر حسین علی خان تالپر و ویژگی های آن" (سال: دوم، شماره: سوم)، فصلنامہ مطالعات شبہ قارہ دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ## ایرانزادہ نعمت اللہ، دکترا، "دیوان حسین" 82، پاییز 1384، دانش، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- ## بلوچ نبی بخش خان، دکترا، 1978، "سند میں اردو شاعری"، لاہور، مجلس ترقی ادب.
- ## بیگ مرزا عباس علی، "ہز ہائینس میر حسین علی خان تالپر" 1985م، "ماہنامہ نئین زندگی شماره 90"، حیدر آباد، الائیڈ پرنٹنگ کارپوریشن.
- ## بیگ میرزا علی متقی، 2005، "بزم تالپر"، حیدر آباد، شیخ پرنٹنگ پریس.
- ## بیگم شادہ، دکترا، 2005م، "سند میں اردو" اردو اکادمی سند.
- ## حسنی ہاشم معروف (لبنان، 1992م)، "سیرت ائمہ اہلبیت"، جامعہ تعلیمات اسلامی پاکستان.
- ## حسین حجتہ الاسلام مفتی جعفر، سال ندارد، "سیرت امیر المومنین"، لاہور، امامیہ کتب خانہ.
- ## رخشندہ مهر داد، دکترا، (جولائی تا ستمبر 2007م)، "پیغام آشنا (شمارہ 30)"، اسلام آباد، کونسلگری فرهنگی اسلامی جمہوریہ ایران.
- ## عبدالله، سید محمد، دکترا، "حضرت علی" اردو دائرہ معارف اسلامیہ، 2001، لاہور، دانشگاه پنجاب.
- ## کربلائی گل حسن احسن (مترجم) آبادی رحمت فرخ، 1988م، "تالپور حکمرانوں کے علمی کارنامہ"، کراچی، ایجوکیشنل پریس.
- ## کنتوری سید محمد ضامن، 1967 م، "عبرت کدہ سند"، کراچی، نفیس اکادمی.
- ## مگسی عبداللہ، 2010م، "سند جي تاريخ جو جديد مطالعو"، کراچی، سندیکا اکادمی.
- ## میر حیدر علی خان تالپر، 2007م، "لب لباب"، حیدر آباد، حسن تالپر اکادمی.
- ## نجفی مولانا سید صفدر حسین، 1414م، "احسن المقام"، امامیہ پبلیکیشنز پاکستان
- ## Dr.Sadrangani, 1987, "The Persian Poets of Sindh" 'Jamshoro, Sindhiadabi board.

-The Institute department of Curriculum Studies 2013,"Muslim Societies and Civilizations' 'London, Islamic Publications Limited.